

Original Article

Decarceration in Light of the Charter of Civil Rights

Majid Shohani¹, Abbas Haghpanahian^{2*}, Fahim Mostafazadeh³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Justice, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Faculty Member, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, University of Justice, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: A.Haghpanahan@Gmail.com

3. Assistant Professor, Faculty Member, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, University of Justice, Tehran, Iran.

Received: 24 Dec 2019 Accepted: 9 Sep 2020

Abstract

Background and aim: In accordance with related works in most of countries, including Iran, penalty of imprisonment has not only been unsuccessful in achieving its goal of correcting offenders and preventing them from repeating a crime, but also the results have showed that prisoners have been deprived of their citizenship rights in prisons. Accordingly, many attempts have been made to emphasize the importance of decarceration. The present research aimed to explore the importance of decarceration from the standpoint of citizenship rights.

Materials and Methods: A descriptive-analytical method was used in this research.

Findings: In this research causes for decarceration were studied from both theoretical and practical aspects. Intellectual and philosophical schools and the ideology of law which deem the penalty of imprisonment ineffective to correct offenders are categorized as theoretical reasons. On the other hand, the practical aspect is materialized by the legislator and the judicial system through issuing decarceration directives. Therefore, findings illustrated that the penal system shifted to decarceration due to the high cost of keeping offenders in prisons and imprisonment's failure to achieve its goals.

Conclusion: There has been multiple causes for decarceration in each government. However, the shortcomings in the policy of imprisonment on correcting offenders is considered the chief reason. For example, economic factors such as the high cost of maintaining prisons, a considerable rise in the number of criminal prisoners, especially in crimes associated with drugs, the failure in chastisement of offenders and preventing them from repeating crimes were Reza Khan's reasons to replace exile with imprisonment, and it was also followed by his son, Mohammad Reza Shah. However, after the Islamic revolution, religious reasons and high cost of keeping prisoners set the stage to issue an Act for the penal code in 2013. According to this law, imprisonment was expected not to be meted out to all types of crimes.

Keywords: Imprisonment; Decarceration; Citizenship Rights

Please cite this article as: Shohani M, Haghpanahian A, Mostafazadeh F. Decarceration in Light of the Charter of Civil Rights. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 419-432.*

حبس‌زدایی در پرتو منشور حقوق شهروندی

مجید شوهانی^۱، عباس حق پناهیان^{۲*}، فهیم مصطفی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

۲. استادیار، عضو هیأت‌علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: A.Haghpahanah@Gmail.com

۳. استادیار، عضو هیأت‌علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۹

چکیده

زمینه و هدف: به صورت کلی، مطابق مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در اکثر کشورها، از جمله در ایران، جزای زندان در برآورده‌کردن رسالت‌ها و اهدافش که همانا اصلاح مجرمان و پیشگیری اولیه و ثانویه از تکرار بزه بوده است، عملکرد موفقی نداشته است و در این بین، حقوق شهروندی زندانیان نیز به عنوان یک شهروند رعایت نشده است که بر همین اساس به سمت حبس‌زدایی گام برداشته است. هدف ما در این مقاله دستیابی به دلایل عدول از کیفر حبس با تأکید بر منشور حقوق شهروندی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که چنانچه علل حبس‌زدایی را از دو بعد نظری و عملی بررسی کنیم، دکترین حقوق که مخالف کیفر حبس بودند. همچنین مکاتب فکری و فلسفی که مجازات زندان را برای اصلاح سودمند نمی‌دانستند، در دسته علل نظری قرار می‌گیرند و از بعد دیگر، بعد عملی است که توسط مقتن و دستگاه قضا با تصویب بخشنامه‌های حبس‌زدا عملی می‌شود. بنابراین یافته‌ها حاکی از این است که به دلیل شکست اهداف زندان و ایضاً هزینه‌های زندان نظام کیفری به سمت حبس‌زدایی سوق پیدا کرد. **نتیجه‌گیری:** عدول از حبس در هر دوره علل خاصی داشته است، لیکن شکست سیاست اصلاح زندان مهم‌ترین دلیل در هر دوره بوده و همچنین عللی همچون عوامل اقتصادی (هزینه‌های نگهداری شخص زندانی نیروی انسانی در اداره زندان‌ها و...)، تورم جمعیت کیفری به خصوص در جرائم مربوط به مواد مخدر، عدم موفقیت در سیاست بازسازی و اصلاح‌نمودن محکومین در زندان و پیشگیری از تکرار بزه در اشخاصی که در زندان اصلاح شده‌اند، در دوره قبل از انقلاب و در دوره پهلوی سیاست رضاخان بر تبعید بود. همچنین در دوره محمدرضا شاه این روند ادامه یافت در قانون ۱۳۶۱ نیز که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی صورت پذیرفت، نقش مذهب و هزینه‌های اقتصادی که مجرمان بر دوش نظام می‌گذاشتند، زمینه را برای حبس‌زدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فراهم نمودند که طی این دوره‌ها مجازات به سمت عدول از کیفر حبس پیش رفت.

واژگان کلیدی: مجازات حبس؛ حبس‌زدایی؛ حقوق شهروندی

مقدمه

رواج‌یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت‌های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه همه شهروندان از جمله حق حیات و حق آزادی - را به صورت کامل، هم در برابر مردمان متجاوز و هم در برابر کارگزاران حکومت، حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان، به ویژه حق آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد.

شروع نظام مدون قانونگذاری در ایران از سال ۱۳۰۴ بوده است و بعد از این قانون، قوانین مختلفی در زمینه جزایی تا سال ۱۳۹۲ تدوین و تصویب شده است در سال ۱۳۹۹ قانون کاهش حبس تعزیری را داشته‌ایم و همچنین حبس‌زدایی به دلیل شیوع کرونا در زندان‌ها سبب شد که بیش از ۵۰٪ از زندان آزاد گردند. در این دوره‌های قانونگذاری قبل و بعد از انقلاب با چالش‌های زیادی در زمینه حبس‌زدایی مواجهه بوده‌ایم و در هر کدام از دوه‌های قانونگذاری، بنا به دلایلی که در ذیل به صورت کلی به دو دسته عملی و نظری تقسیم می‌شوند، عواملی در حبس‌زدایی دخیل بوده‌اند که ما از همان ابتدا فرضاً قبل از انقلاب مجازات تبعید بود و مجرمین به جای زندان به نقاطی از کشور و یا خارج از کشور تبعید می‌شدند و بعد از انقلاب و با پررنگ‌تر شدن نقش مذهب و کیفر شلاق و باز شدن درهای رثوفت اسلامی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ حبس‌زدایی نمود پیدا کرد و این رویه ادامه داشت که مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به جای حبس‌زدایی به حبس‌گرایی روی آورد و در این سال ۱۳۷۵ با تورم قوانین کیفری حبس‌زا مواجهه بودیم و تورم جمعیت کیفری زندان به وجود آمد که کشور را با مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و... رو به رو ساخت تا اینکه دکترین حقوق و نظام عدالت کیفری به فکر چاره افتادند که جمعیت کیفری کاهش پیدا کند و در سال ۱۳۹۲ به سمت حبس‌زدایی پیش رفتیم که با مجازات

جایگزین حبس قدم بلندی در راستای حبس‌زدایی برداشته شد، در همین خصوص قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نیز با گامی بلندتر از قانون مجازات مصوب ۱۳۹۹ اقدام به کاهش حبس تعزیری نمود و خروجی آن آزادی شمار زیادی از زندانیان بود، همان‌گونه که گفته شد، عوامل زیادی از همان ابتدای قانونگذاری (۱۳۰۴ ش.) تا قانون فعلی، یعنی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب (۱۳۹۹ ش.) در حبس‌زدایی نقش داشتند. مسأله‌ای که ما در این تحقیق با آن رو به رو هستیم، علل حبس‌زدایی و عدول از مجازات حبس است که در دوره‌های مختلف علل مختلفی در جهت حبس‌زدایی دخیل بوده‌اند، یکی از این علل شکست مجازات زندان بوده و در دوره‌های مختلف قانونگذاری به جز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، بقیه قوانین گرایش به سمت حبس‌زدایی داشته‌اند. سؤالی که مطرح هست، این است که چه دلایلی در گرایش قانونگذار به سمت حبس‌زدایی دخیل بوده است؟ به نظر می‌رسد این دلایل به دو قسمت عمده، یعنی دلایل نظری و عملی در حبس‌زدایی بتوان تقسیم نمود که دلایل نظری همان نظریه‌های دکترین حقوقی و علمای حقوق باشد که با حبس‌زدایی مخالف بوده‌اند و دلیل عملی نیز تصویب قوانین حبس‌زدا در جهت کاهش حبس‌زدایی باشد و با عنایت به اینکه زندان در رسالت خود موفق نبود به این سمت سوق پیدا کرد.

۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت انجام این تحقیق در این است که با توجه به اینکه یکی از اقدام‌های اساسی و اصولی جهت کاهش جرم و در نهایت کاهش تعداد مجرمان و آمار زندانیان، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی و آموزش و پرورش قوی و کارآمدی است که به آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی آحاد جامعه توجه بیشتری داشته باشد. همچنین توجه به مسائل اقتصادی جامعه در سطح کلان و وضعیت معیشتی و اشتغال شهروندان هم نقش به سزایی در کاهش جمعیت کیفری خواهد داشت، چراکه این موضوع یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی افراد در اجتماع را شکل داده و بی‌توجهی به آن، مسائل و معضلات بسیاری را به وجود آورده و سبب

افزایش جرم و ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه افزایش آمار و جمعیت کیفری می‌شود.

۲- پیشینه مطالعاتی

حسن‌زاده (۱۳۹۲ ش.)، در پایان‌نامه خود با عنوان مجازات‌های جانشین حبس در قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۰ مطرح کرده است: در گذشته مجازات به صورت تنبه بدنی شدید اعمال می‌شد، در آن دوران کیفر بر اساس انتقام جویی و سرکوبگرانه بوده است که اعدام نیز به صورت گسترده مرسوم بوده است و مجازات از نوع سخت و خشن بود تا اینکه این روند تغییر کرد، مجازات‌ها نرم‌تر شدند و اصلاحاتی در جهت اصلاح زندان صورت گرفت «با وقوع انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ این کوشش سرعت بیشتری گرفت و دامنه آن علاوه بر اروپا به قاره آمریکا هم رسید. تحت تأثیر آموزه‌های مکاتب تحقیقی دفاع اجتماعی موضوع اصلاح و بازپروری زندانیان گسترش بیشتری پیدا کرد و برنامه‌های اصلاحی فراوانی در زندان‌ها جهت بهبود وضعیت زندانیان و بازپذیری اجتماعی آن‌ها اجرا شد، اما با وجود این نتایج چندان خوبی به دست نیامد و شکست برنامه‌های اصلاح و درمان اعلام شد.»

ناتری و ریاحی (۱۳۹۱ ش.) در مقاله‌ای که در حوزه ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در قانون مجازات اسلامی در پرتو الگوی جانشینی انجام داده‌اند، به این نتایج رسیدند که از زمانی که زندان به وجود آمده، تاکنون تغییرات زیادی در الگوهای زندان رخ داده است و مجازات جایگزین جای حبس را گرفته‌اند که مهم‌ترین این جایگزین‌ها مجازات جایگزین حبس اجتماعی می‌باشند که در راستای حبس‌زدایی صورت گرفته‌اند.

حاجی‌تبار فیروزجایی (۱۳۸۷ ش.) در پژوهشی در باب جایگاه جانشین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران این‌گونه مطرح کرده است که هدف از حبس بازپروری زندانیان بوده است و از آنجا که مجازات حبس خاصه حبس‌های کوتاه‌مدت علاوه بر هزینه‌های اقتصادی که بر روی دست دولت می‌گذارند کارایی لازم در جهت اصلاح و بازپروری مجرمین را ندارند.

بر همین اساس امروزه سیاستگذاران جنایی ایران در راستای حبس‌زدایی و منع استفاده بی‌رویه از مجازات حبس، اقدام به تدوین قانونی تحت عنوان مجازات‌های اجتماعی زندان نموده‌اند. در این پژوهش ضمن معرفی و بررسی گونه‌های سنتی جانشین حبس در نظام عدالت کیفری ایران نتیجه‌گیری می‌کند که «نه‌تنها تصویب قوانین و مقررات شفاف و جامع در این زمینه مفید و ضروری است، بلکه اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین نیازمند فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه است.»

قجاوند (۱۳۸۹ ش.) در پژوهشی در زمینه مجازات‌های اجتماعی جانشین حبس عنوان کرده است که با عنایت به تورم کیفری در جمعیت زندانیان که با افزایش زندانیان مواجه شده نیازمند استراژی جدید در برخورد با مجرمین می‌باشد که ضرورت جایگزینی حبس را القا می‌نماید.

«در این تحقیق ضمن بررسی تاریخچه مجازات‌های جانشین حبس و اهمیت آن به انواع مجازات‌های جانشین حبس نظیر خدمات عام‌المنفعه، جزای نقدی، محرومیت از حقوق، آزادی مشروع و تعلیق اشاره شده بود.»

۳- جنبه جدیدبودن و نوآوری

با عنایت به پیشینه موضوع تاکنون تحقیقی که بتواند به صورت جامع و کامل از لحاظ نظری و عملی موضوع، عدول از کیفر حبس با تکیه بر منشور حقوق شهروندی را مورد مطالعه قرار دهد یافته نشده، لذا این تحقیق در حد خود بدیع و نو بوده و دارای جنبه نوآوری می‌باشد.

۴- تعاریف و مفاهیم

در این قسمت سعی شده است که کلمات و اصطلاحات فنی و تخصصی از منظر اصطلاحی مورد مطالعه قرار بگیرند که در ذیل به این مهم پرداخته شده است.

۴-۱- **کیفر:** در اصطلاح، کیفر عبارت است از تنبیه و کیفری که بر مرتکب بزه اعمال می‌شود. کیفر توأم است با رنج و تعب و همین رنج و تعب مشخصه حقیقی کیفر و موجب تفکیک آن از سایر اقدامات پیشگیری و جلوگیری از وقوع بزه و نیز اقدامات مربوط به جبران ضرر و زیان در دعاوی حقوقی می‌شود (۱).

مجرمان، مبلغ هنگفتی بر جامعه تحمیل می‌گردد که این مبلغ را دولت می‌تواند صرف هزینه‌های تحصیل دانش‌آموزان نماید که در روستای‌های دورافتاده کشور با شرایط نامساعد اقتصادی کشور هیچ‌گونه اقدامات رفاهی و تحصیلی ندارند. در همین خصوص چنانچه در هزینه‌هایی که در نگهداری زندانیان صرف می‌گردد، صرفه‌جویی صورت پذیرد می‌توان با ایجاد کارگاه‌های اختصاصی در زندان‌ها زمینه اشتغال زندانیان را فراهم نماییم (۴). بنابراین در این خصوص می‌توان با بهره‌گیری از کشورهایی که در زمینه حبس‌زدایی موفق عمل کرده‌اند با یک تیر چندین نشان داشته باشیم؛ اول اینکه زمینه اشتغال‌زایی زندانیان را فراهم نموده‌ایم؛ دوم اینکه با صرفه‌جویی هزینه‌ها می‌توان هدفمند در بخش‌های تولیدی و کشاورزی ایجاد رونق نمود و خروجی آن خود به خود پیشگیری از تکرار جرم در جامعه و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها خواهد بود.

۲-۵- مبنای فقهی حبس‌زدایی: هدف شریعت از نظام کیفری، بازدارندگی از وقوع بزه، حمایت از مصالح فردی و منافع عمومی، اصلاح و بازپروری و در یک کلام، تحقق عدالت و امنیت فردی و اجتماعی است. یکی از حقوقدانان مسلمان در این زمینه می‌نویسد: «هدف از مجازات‌ها در اسلام، اصلاح نفوس و تهذیب آن‌ها و تلاش در جانب سعادت جوامع بشری است، نه تعذیب» (۵).

در فقه امامیه نیز این پیش‌فرض غالباً پذیرفته شده است که احکام دین تابع اهداف و مقاصد آن است (۶)، لذا مجازات به عنوان رحمت از سوی خداوند حکیم تشریع شده و شایسته است کسی که بزه‌کاران را از جهت ارتکاب گناه کیفر می‌دهد، به قصد احسان به ایشان باشد، مانند اینکه پدر تربیت فرزند و طبیب مداوای بیمار را قصد می‌کند (۷).

در خصوص لزوم رعایت حقوق شهروندی بیماران از منظر فقه امامیه اشاره گردید که زندان در اسلام جایگاهی ندارد و در خصوص بیماران، این موضوع در فقه اسلامی اهتمام بیشتری ورزیده است و در رویه قضایی فعلی نیز با تاسی از فقه پویای اسلامی، قضات با استعلام کارشناس از پزشکی قانونی، چنانچه شخص به دلیل بیماری جسمی و روحی قادر

۲-۴- حبس: در ترمینولوژی حقوق از حبس چنین تعریفی ارائه شده بود: سلب آزادی و اختیار نفس در مدت زمان معین یا نامحدود، به صورتی که در آن وضعیت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر وضعیت انتظار داشته باشد آن را توقیف گویند نه حبس (۲).

۳-۴- حبس‌زدایی: با عنایت به آنچه در خصوص زندان و معایب آنکه منجر به تغییر رویه در جهت حبس‌زدایی گردیده، باید بیان داشت که در طول سالیان گذشته، علم بزه‌شناسی همواره در حال تحول بوده است. این تحولات گاه به سوی کاهش یا حذف مداخله نظام جزایی و در مقابل، دخالت بیشتر اقدامات غیر جزایی توسط مراجع غیر رسمی و مردمی پیشرفته است. این نگرش که تفکرات آن به آموزه مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی حقوق جزا برمی‌گردد، به سازکارهای ترمیمی، اصلاحی و مدنی می‌اندیشد و توسل به کیفر را محکوم به شکست می‌داند. با شکل‌گیری تمایلات حقوق بشری و تأکید بر آزادی‌ها و حقوق اشخاص، نظام جزایی به این دلیل که آزادی افراد را محدود می‌نمود و با اعمال کیفر، کرامت انسانی را خدشه‌دار می‌کرد به مخالفت برخاسته است (۳).

۵- مبانی نظری

در این قسمت سعی شده است مبانی نظری مرتبط با حبس‌زدایی ارائه گردد که می‌توان به مبنای اقتصادی، فقهی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی اشاره نمود.

۱-۵- مبنای اقتصادی حبس‌زدایی: چالش دیگر در این خصوص درباره پیامدها و چالش‌های اقتصادی و مالی تحمیلی به زندانی محبوس و خانواده وی می‌باشد و علاوه بر این هزینه‌هایی نیز برای جامعه و اجتماع ه دنبال دارد که از طرف دولت باید تأمین و هزینه گردد، ضمن اینکه با عنایت به شکست برنامه‌های اصلاح و درمان در زندان، هزینه‌های بی‌فایده و بی‌ثمر بوده که به جامعه تحمیل شده است.

تا اسفند سال ۱۳۹۷ تعداد ۲۳۳/۰۰۰ هزار نفر از محکومان در زندان‌های کشور نگهداری می‌شوند و از سوی دیگر، هزینه سرانه واقعی هر زندانی در روز، در سال ۱۳۹۶ در حدود ۴۵۰۰۰ ریال تعیین شده است که سالانه بابت نگهداری

به تحمل زندان نباشد، زندانی نمی‌شود و مجازات جایگزین حبس در خصوص وی اعمال می‌گردد.

بر طبق همین مبنا، می‌توان گفت که حبس نیز در اندیشه دینی عموماً مجازات اصلی محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و تربیتی است و بیشتر جنبه اصلاح و بازدارندگی و پیشگیری از وقوع مجدد بزه دارد. در جایی نیز که حبس برای مجازات بزه‌کار رفته، از باب ضرورت مطرح بوده است و با منطبق اسلام در پرورش روح و روان افراد جامعه همخوانی ندارد.

در خصوص مجازات زندان از دید فقها، زندانی کردن بدهکار بیمار اگر حبس برای او ضرر داشته باشد و نیز مدیونی که اجیر دیگری است، جایز نیست و استدلال آن‌ها قاعده «لاضرر» و نیز قاعده «نفي حرج» است (۸).

بسیاری از محکومان کیفری پیش از ورود یا در دوران زندان، دچار بیماری می‌شوند که درمان برخی از آن‌ها دشوار و به اصطلاح «سخت درمان» است. در فقه جزایی، اجرای کیفر بدنی بیماران به تأخیر افتاده یا از بین می‌رود (۹).

۳-۵- مبنای جامعه‌شناسی حبس‌زدایی: جهت‌دستیابی مبنای حبس‌زدایی، به منبع و مرکز این علم، یعنی مکتب شیکاگو را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، دانشگاه شیکاگو نخستین مرکز جامعه‌شناسی را در سال ۱۸۹۲ به راه انداخت و نام مکتب شیکاگو در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی مطرح شد. آن‌ها معتقد بودند رفتار انسان در محیط اجتماعی و فیزیکی قوام می‌یابد و توسعه پیدا می‌کند نه ساختار ژنتیکی آن‌ها، از همین رو اصالت خاصی برای اجتماع در نظر گرفته‌اند (۱۰).

این مکتب معتقد است که چنانچه تعارض فرهنگی که از برخورد سنت‌ها با فرهنگ جدید ناشی از مهاجرت و یا هر دلیل دیگری به وجود بیاید، سبب یک منازعه فرهنگی می‌شود و اسباب وقوع جرم را فراهم می‌نماید.

دورکیم، موضوع حبس‌زدایی را بر مبنای جامعه‌شناسی توجیه می‌نماید و معتقد است که در جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی، مجرمان را به خاطر گرفتن انتقام و تنها برای رنج‌دادن مقصر کیفر می‌دهند و هدف خشنودی جامعه

است (۱۱). بنابراین تازمانی که با تکیه بر مجازات سنتی، همچنان مجرمان را با هدف انتقام محبوس نماییم، با توجه به تجربه‌های که زندان داشته و همچنین آمارهایی که نشان از تکرار جرم بعد از به اصطلاح، اصلاح و تربیت مجرمین صورت پذیرفته است، زندان عملاً در رسالت خود که همانا اصلاح مجرمین می‌باشد، شکست خورده است.

۴-۵- مبنای بزه‌شناسی حبس‌زدایی: مکتب نئوکلاسیک نوین که از چند دهه پیش تاکنون مورد توجه بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است، با پایبندی به اصول تفکر کلاسیک، سزادهی را مناسب‌ترین مبنای توجیه‌کننده کیفرها می‌داند (۱۲).

«بنیانگذاران مکتب تحقیقی، سزار لمبروزو، انریکوفری، گارو فالو هستند. این مکتب ضمن استفاده از مجازات حبس در برخی موارد خواستار جایگزین شدند بنیانگذاران مکتب دفاع اجتماعی مارک آنسل و فیلیپو گراماتیکا هستند که بر حبس انتقاداتی وارد می‌کنند» (۱۳). پس از اینکه ناکارآمدی اندیشه بازپروری در قالب مکتب دفاع اجتماعی نمایان شد، رویکردهای جدیدی در غرب و به ویژه آمریکای شمالی مطرح گردید. از میان این رویکردها، می‌توان به عدالت ترمیمی (Justice Restorative)، عدالت تخمینی (Justice Actuarial) یا سنجشی و عدالت استحقاقی (Deserts Just) اشاره کرد در این رویکرد، سزادهی یک سزاواری عادلانه بدین معناست که عدالت وقتی محقق می‌گردد که بزه‌کار به سزای عمل ارتكابی خود برسد و این سزا، در واقع، کیفر استحقاقی اوست (۱۴).

۵-۵- نظریات جرم‌شناختی: فردی کردن مجازات‌ها از دستاوردهای جرم‌شناختی می‌باشد، در قانون مجازات اسلامی راهکارهای فراوانی وجود دارد تا با اتکا به آن‌ها بازپروری مجرمین میسر گردد. با مطالعه مواد قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مشاهده می‌گردد که قوانین فوق‌الاشعار در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها صورت پذیرفته است. برای مثال می‌توان به مادتين ۱۸ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود

که برای تعیین مجازات تعزیری، هم معیار عینی و هم معیار ذهنی پیش‌بینی شده است (۱۵).

«برنامه‌های جایگزین حبس نمادی از اصل فردی‌کردن مجازات‌هاست» (۱۳). یکی از حقوق‌دانان کشورمان با نگاه بزه شناختی در ایراد از کیفر سالب آزادی خاطر نشان می‌کند که «بر اساس مطالعات مکرری که انجام‌شده بیش از نیمی از محکومان به حبس پس از خروج از زندان دچار تکرار بزه شده‌اند و دو مرتبه به فرآیند قضایی بازمی‌گردند، در روند این بازگشت ممکن است شلاق بخورند یا به زندان بروند، لذا از نظر بزه‌شناسی هم می‌توانیم بگوییم که زندان فقط پارکینگ انسان‌هاست و سلب‌کننده آزادی آن‌ها زندان رسالت خود را، یعنی عبرت‌آموزی، ارعاب‌انگیزی و اصلاحی را لااقل نسبت به اکثر زندانیان ایفا نکرده است» (۱۶).

۶-۵- نظریه یادگیری: در این نظریه به نقش یادگیری و تقلید در ارتکاب جرم پرداخته شده است، یادگیری افراد از طریق تداعی به سه شیوه صورت می‌گیرد: ۱- یادگیری از طریق شرطی‌شدن کلاسیک؛ ۲- یادگیری از طریق شرطی‌شدن کنشی؛ ۳- همچنین یادگیری اجتماعی است، در حالی که شرطی‌شدن کلاسیک و شرطی‌شدن کنشی با آزمایش بر روی حیوانات به دست آمده است. نظریه یادگیری اجتماعی بیشتر به یادگیری انسان توجه دارد، زیرا این نظریه به طور مستقیم به فرآیندهای روانی عالی توجه نشان می‌دهد. از پیشگامان این نظریه (نظریه یادگیری) در جرم‌شناسی گابریل تارد و ادوین اچ. ساترلند می‌باشد. زندان با توجه به محیط خود نقش مهمی در یادگیری و تبادل اطلاعات در زمینه‌های فنون و روش‌های ارتکاب جرم دارد. فوکو در این زمینه می‌گوید: «در همین باشگاه است که بزه‌کار جوانی که نخستین محکومیتش را در آنجا می‌گذراند، آموزش می‌بیند و نخستین میلی که در او زاده می‌شود، این است که از کار کشته‌ها یاد بگیرد چگونه از چنگ سخت‌گیری‌های قانون بگریزد. نتایج یک تحقیق در ایران که در مورد نقش تقلید و یادگیری در محیط زندان انجام شده است، نشان می‌دهد که زندانیان دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان را مهم‌ترین عامل ارتکاب جرم در بار دوم می‌دانند (۱۷).

۷-۵- نظریه برچسب‌زنی: از منظر این نظریه انحراف، کیفیت عملی نیست که فرد، مرتکب آن می‌شود، بلکه نتیجه به کارگیری قواعد و کیفرها از سوی دیگران در مورد بزه‌کار است. برچسب‌ها برای تعیین مقولات انحراف به وجود می‌آیند، لذا بیانگر ساختار قدرت جامعه هستند. قواعدی که انحراف به وسیله آن‌ها، تعیین می‌شود و هم محیطی که در آن قواعد یاد شده به اجرا در آیند اغلب به وسیله اقلیت قدرتمند برای اکثریت چارچوب‌بندی می‌گردد، فردی که وارد زندان می‌شود از سوی جامعه و افراد خانواده برچسب مجرمیت می‌خورد. پس از آزادی از زندان معمولاً پیداکردن شغل برای فرد به دلیل سابقه‌داربودن و خوردن برچسب مجرمیت بسیار دشوار خواهد بود. برچسب‌خوردن در مورد زنان و اطفال بیشتر خواهد بود و آن‌ها را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد (۱۷).

۶- دلایل عملی حبس‌زدایی

در این قسمت سعی شده است دلایل عملی حبس‌زدایی همچون یادگیری فنون در زندان، نظریه برچسب‌زنی، فضای ناکافی زندان، پزشکی، روانی، خانوادگی، آموزشی و... مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد.

۱-۶- فضای ناکافی زندان: به علت کثرت جمعیت کیفری، برنامه‌های اصلاحی موفقیت‌آمیز نبوده، به طوری که متهمان و محکومان سابقه‌دار و محکومین بی‌سابقه هم‌زیستی اجباری داشته و نهایتاً برای فعالیت‌های بزه‌کارانه در آینده برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین عامل تراکم جمعیت از جمله عواملی است که زمینه باز پروری و اصلاح و درمان بزه‌کاران را دشوارتر می‌کند.

«از جمله ایرادهایی که بر کیفر حبس وارد می‌باشد، وضع نامطلوب بهداشت در محیط زندان و بین زندانیان است. شیوع بیماری‌های مسری مثل بیماری‌های عفونی، پوستی، ایدز، سل، هیپاتیت و... در زندان بسیار چشم‌گیر است. این‌گونه بیماری‌ها از طریق استفاده مشترک از سرنگ‌های تزریقی و مقاربت‌های جنسی به وجود می‌آید. از سویی علت وضع نامطلوب بهداشت در زندان را می‌توان به تراکم جمعیت در زندان و کمبود فضای آن اشاره کرد، زیرا هرچه تراکم بالا باشد، خطر ابتلا به این‌گونه بیماری‌ها افزایش پیدا می‌کند و

علت دیگر می‌توان ناشی از چرخه ورود و خروج زندانیان به داخل و خارج از محیط زندان اشاره کرد» (۱).

۲-۶- دلایل پزشکی: مدیریت زندان مسئولیت دارد که نه تنها مراقبت‌های پزشکی را فراهم کند، بلکه شرایطی را ایجاد کند که موجب افزایش تندرستی زندانیان شود. زندانیان نباید زندان را در شرایطی بدتر از شرایط هنگام ورودشان ترک کنند. این امر حاکم بر تمامی جنبه‌های زندگی زندان و به طور خاص ناظر بر مراقبت‌های بهداشتی است (۱۸).

با مطالعه در اسناد بین‌الملل در خصوص مراقبت‌های پزشکی نسبت به زندانیان، از جنبه تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، باید حقوق مندرج در میثاق را بدون تبعیض از هر حیث برای همه تضمین کنند که یکی از این حقوق رعایت حقوق زندانیان می‌باشد و در میان زندانیان برخی گروه‌ها مستحق رفتار ترجیحی هستند و نیازهای آن‌ها باید مورد توجه خاص قرار گیرد، از جمله زنان، کودکان، افراد سالخورده و معلولان (۱۹). حق برخورداری از سلامتی یکی از حق‌های بنیادین بشری شناخته‌شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر است. حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی گره خورده است (۲۰).

مبنای اصلی حق سلامت در حقوق بین‌الملل، «حق حیات» است. این حق بدان معناست که هر انسانی به صرف انسان بودن حق زنده‌بودن و زندگی کردن را به ارث برده است و هیچ کس نباید به هیچ عنوان از این حق محروم شود (۱۸).

بهره‌مندی از حق حیات، مستلزم رعایت حق سلامت است و بر این اساس، دولت باید امکانات و شرایط برخورداری از سلامت جسمی و روحی را برای همه شهروندان، از جمله محکومان و افرادی که در محیط بسته زندان به سر می‌برند، فراهم آورد.

امروزه آزادی زود هنگام، مرخصی، کاهش مجازات یا عفو زندانی، از جمله استانداردهای بین‌المللی رفتار با عموم زندانیان بیمار است و در خصوص زندانیانی که دچار بیماری‌های وخیم هستند و امیدی به معالجه آنان نیست،

توصیه شده که آن‌ها باید آزاد شده و در مکانی تحت نظر قرار گیرند تا بتوان آخرین معالجه‌های پزشکی را با کمک خانواده و دوستان روی آن‌ها انجام داد، به هر روی در شناسایی و کاربست حمایت‌های ترجیحی در خصوص محکومان بیمار نباید بر ذهنیت‌های سنتی مبتنی بر اصل تساوی مجازات‌ها در چارچوب عدالت کمی پافشاری کرد، چراکه این ارفاقات کیفری در چارچوب سیاست کیفری تفریدی مبتنی بر عدالت کیفی، قابل درک و تحلیل است (۲۱).

۳-۶- حقوق داخلی و حمایت از حقوق شهروندی زندانیان: اصل ۳۹ قانون اساسی ج.ا.ا. رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی متهمان و محکومان کیفری را مورد توجه قرار داده و هتک حرمت و حیثیت زندانی را به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات دانسته است. اصل ۲۹ نیز حق بر خدمات بهداشتی و درمانی را برای همگان به رسمیت شناخته و مقرر می‌دارد: «تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری و پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راهماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و... حقی است همگانی.» مطابق آیین‌نامه اجرای طرح بیمه درمانی زندانیان مصوب ۱۳۶۱ وزارت بهداشتی درمان کلیه اشخاصی را که در زندان‌ها و مؤسسات تأمینی و تربیتی و دیگر مؤسسات تحت نظر شورای سرپرستی زندان‌ها و امور تأمینی و تربیتی کشور نگهداری می‌شوند تأمین و آنان را تحت پوشش بیمه درمان مستقیمی قرار دهد.

ضمناً مطابق قانون تأمین اجتماعی تمامی افراد می‌توانند بیمه‌پرداز سازمان تأمین اجتماعی باشند. بنابراین حتی زندانیان نیز پس از آزادی از حبس می‌توانند با پرداخت حق بیمه، از حمایت‌های درمانی و بازنشستگی این سازمان برخوردار شوند و در نظام حقوقی ایران، ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مربوط به محکوم علیه، بیماری محکومان جزایی است که به طور کلی بیماری جسمی یا روانی محکوم موجب تعویق اجرای مجازات دانسته است. مواد ۵۰۱ و ۵۰۳ این قانون نیز وضعیت ویژه محکوم علیه را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین برابر تبصره ۲ ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی

قانونگذار در ماده ۵۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم تعزیری، نوع خاصی از بیماری روانی، یعنی جنون را جز در مجازات‌های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود، به طور مطلق موجب تعویق دانسته است.

هرگاه محکوم‌علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد.

تعویق اجرای مجازات به جهت بیماری جسمی یا روانی محکوم‌علیه، اقدامی قضایی است که با جلب نظر کارشناسی پزشکی قانون انجام می‌شود. برابر بند «ث» ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آن‌ها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات، از جمله وظایف قاضی اجرای احکام است. در راستای عمل به وظیفه مندرج در بند «ث» ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی اجرای احکام موظف است محکوم را به پزشکی قانونی اعزام کند و دستور دهد در خصوص بیماری یا ابتلاء محکوم به جنون اظهار نظر نمایند. پزشکان قانونی، زندانی را معاینه و پس مشاوه از یکی از موارد ذیل را بیان می‌دارند: ۱- رو به بهبود می‌باشد و جهت درمان در بیمارستان زندان بستری می‌شود و بعد از بهبودی به بازداشتگاه اعزام می‌گردد؛ ۲- با درمان از شدت بیماری کاسته شده و لازم است به مدت ... روز دیگر تحت درمان باشد، با معاینه مجدد اظهار نظر خواهد شد؛ ۳- درمان‌ها مؤثر نبوده، حال بیمار وخیم است، احتمال خطر می‌رود (۲۳).

بنابراین در مواردی که اشاره گردید با استعلام نظر پزشکان قانونی با ۳ تصمیم مواجهه هستیم که در صورت حدوث هر کدام از موارد مذکور، قاضی اجرای احکام موظف به اجرا مطابق نظر پزشکی قانونی می‌باشد؛ لذا در مواردی که نظر پزشکی قانونی بر عدم تحمل کیفر حبس باشد، شرط تحمل کیفر حبس مختص به زمان کنونی زندانی می‌باشد (۲۳).

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، محکومان معرفی‌شده به زندان که وضعیت ظاهری آن‌ها حکایت از بیماری‌های روانی و جسمانی دارد، باید پیش از پذیرش، توسط پزشک معتمد مورد معاینه قرار گرفته و در صورت نیاز به مراقبت‌های پزشکی و بیمارستانی، مراتب به قاضی مربوط اعلام گردد و با وجود اینکه وضعیت بیماران در زندان از جمله بیماران هیپاتیت یا ایدز مشخص است با این وجود در بین زندانیان دیگر هستند و تفکیک نمی‌گردند و در خصوص آن‌ها با احتیاط بیشتری اقدام می‌گردد که بیماری آن‌ها محرمانه بماند و زندانیان دیگر از این موضوع اطلاع پیدا نکنند (۱۱).

نتایج یک پژوهش نشان داده، موارد مهم بیماری‌هایی که موجب عدم تحمل کیفر شلاق می‌شوند، عبارتند از: نارسایی حاد و مزمن قلب، کبد، کلیه و تنفسی، پیوند عضو، وجود اختلالات همولیزدهنده و انعقادی، ابتلا به بیماری‌های عروقی قلب، افزایش فشار خون شدید، ابتلا به ضایعات پوستی دارای ناتوان و کاشکتیک مانند مبتلایان به پدیده کوپرنر، ابتلا به بیماری صرع، بیماران شدیداً بدخیمی‌ها، سل پیشرفته، ایدز و کلیه شرایط مرحله پایانی بیماری، در حالی که بیماری روانی نیز می‌تواند در زمره بیماری سخت درمان به شمار آمده و درمان بیمار در زندان ناممکن باشد (۲۲).

۴-۶- تعویق اجرای مجازات: در مواردی پیش می‌آید

که در مرحله اجرای حکم برای محکوم علیه بیماری حادث می‌گردد که تحمل اجرای مجازات را ندارد و یا در صورت تحمل مجازات بیماری وی تشدید می‌گردد، در این صورت قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمانی که بهبودی حاصل نماید، اجرای مجازات به تعویق می‌اندازد، ضمناً تعویق مذکور، شامل اجرای همه مجازات‌ها، اعم از حدود، قصاص، دیات و تعزیرات می‌گردد و تا بهبودی محکوم علیه ادامه می‌یابد (۲۰).

تعویق اجرای مجازات محکوم علیه دربردارنده بیماری‌های جسمی (شامل بیماری‌های حرکتی، واگیردار و مانند آن) و روانی (شامل جنون و اختلالات روحی و روانی) است و در صورتی انجام می‌شود که اجرای مجازات، موجب «تشدید بیماری» و یا «تأخیر در بهبودی» بیمار شود. با وجود این،

۵-۶- علل روانی حبس‌زدایی: زندانی‌شدن فرد بیشترین

فشار را بر روح و روان وی وارد می‌سازد و اختلالاتی را در وی ایجاد می‌نماید که سبب پرخاشگری وی در زندان و بعد از آزادی از زندان می‌شود، از جمله عواملی که سبب خشونت در زندانی می‌گردد، به خاطر عدم تناسب میان جرم ارتكابی و مجازات می‌باشد و حتی در مواردی به دلیل جرم‌ندانستن عمل خود کیفر صادره را عادلانه نمی‌داند. از همین رو رفتار خشونت‌آمیز از خود بروز می‌دهد (۲۴).

در خصوص اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی در مصاحبه‌هایی که با زندانیان صورت گرفته آن‌ها احساس خود را هنگام ورود به زندان این‌گونه تشریح کرده‌اند: «احساس دل‌تنگی به همراه یک احساس تلخ، احساس سر کوفتگی و اضطراب» (۲۵). تأثیر زندان بر زندانی به خصوص روان زندانی ناشی از عامل گوناگونی مثل فقدان مراقبت‌های پزشکی کافی، شیوع بیماری‌های خطرناکی مثل ایدز و سوءرفتارهای جنسی در زندان و سوءتغذیه است (۲۶).

۶-۶- علل خانوادگی حبس‌زدایی: اصل بر این است که

مجازات‌ها تنها بر شخص مجرم تحمیل شود نه بر خانواده وی، لیکن کیفر حبس، اگرچه ظاهراً بر خود زندانی تحمیل می‌شود، اما باید گفت که زندانی‌شدن مجرم، بی‌شک به شکل غیر مستقیم آثار زیان‌بار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده زندانی به بار می‌آورد (۲۷).

آشفته‌گی و اذیم‌گسیختگی خانواده، تعداد فرزندان، ترتیب تولد، شرایط سنی، سطح نظارت والدین، حضور الگوهای بزه‌کار و مجرم در خانواده، حضور اقوام و ارتباط با آن‌ها، میزان احساس تعلق به خانواده، میزان حضور والدین در خانه، سلامت جسمانی و روانی والدین و سایر اعضای خانواده. میزان دخالت والدین به خصوص مادر خانواده در شرایط تربیتی فرزندان و... از جمله عواملی است که با استناد به آن‌ها به حبس‌زدایی روی آوریم، نقش خانواده در پایه‌ریزی شخصیت افراد غیر قابل تردید است. خانواده مناسب‌ترین بستر برای رشد و تکامل انسان می‌باشد و پدر و مادر بزرگ‌ترین منبع تغذیه نیازهای شناختی، عاطفی، اخلاقی، جسمانی و حتی

اجتماعی کودک می‌باشند و با زندانی‌شدن هر کدام از والدین فروپاشی بنیان خانواده را به همراه خواهد داشت (۲۸).

بنابراین خانواده را از پاره‌ای جهات می‌توان نماینده جامعه دانست و ناتوانی خانواده در اجرای کامل کارکردهایش گویای این واقعیت است که جامعه نیز به هدف‌های خود نخواهد رسید عدم حضور عناصر اصلی خانواده در کارکردهای نظارتی و تربیتی و عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری فرزندان اثرات منفی بر جای گذارده و فرزندان توانایی انطباق و سازگاری بهینه با جامعه را نخواهند داشت (۲۹).

۷-۶- تأثیر آموزش حرفه در زندان بر حبس‌زدایی: با

توسعه آموزش در زندان، زندانی کار و حرفه‌ای یاد می‌گیرد که هم در زندان اوقات فراقت خود را به نحو شایسته پر نماید و هم بعد از آزادی زمینه اشتغال وی فراهم می‌گردد اشتغال به کار زندانی پایه اصلی اصلاح و بازپروری زندانی است. به دلیل اینکه در ایام تحمل کیفر در زندان، زندانی فرصت مناسبی برای آموختن حرفه و فن متناسب با استعداد و توانایی خود پیدا می‌کند و انجام کار در ایام تحمل کیفر و بهره‌گیری از امکانات آموزشی زندان به تدریج موجبات توان فنی و مهارت او را افزایش داده و پس از آزادی از زندان به جهت تخصص و مهارتی که در ایام تحمل کیفر به دست آورده جذب بازار کار شده و همین امر زمینه جدایی او از گروه‌های تبهکاری را فراهم می‌کند (۳۰).

در خصوص آموزش و اشتغال زندانیان در تبصره ماده ۷ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ با اصلاحات ۱۳۸۹ نیز پیش‌بینی شده است.

بنابراین در عصر حاضر از آموزش فنی و حرفه‌ای زندانیان، ضرورت شناخت زندانی با روش علمی برای آموزش حرفه مناسب با استعداد وی می‌باشد. این شناخت باعث اصلاح و بازپروری بزه‌کار می‌گردد و عامل مناسبی است تا پس از آزادی از زندان وی را برای زندگی اجتماعی آماده نماید کار زندانی نه تنها باعث سهولت برقراری نظم و امنیت در زندان خواهد شد، بلکه متضمن فایده اقتصادی برای زندانیان و خانواده آن‌ها و همچنین زمینه سهولت تأمین هزینه‌های سنگین سازمان را نیز فراهم می‌نماید (۳۱).

زندانیان هزینه هنگفت و چشم‌گیری را بر دولت تحمیل می‌کند؛ غذا، پوشاک، درمان و نیازهایی از این قبیل نیز برای جامعه هزینه‌بر است و با گسترش زندان و افزایش شمار زندانیان، این هزینه‌ها نیز افزایش می‌یابند (۱۷).

اثر منفی دیگر حبس از بعد اجتماعی همچنانکه در بالا بیان شد، درگیرشدن نیروهای اجتماعی به کارهای نامفید است. بی‌تردید هر انسانی که به بند حبس گرفتار می‌شود موجب کاهش چند نیروی کارآمد (خود و نگهبانان زندان) از سطح اجتماع شده و ازطرفی موجبات هدررفتن وقت و انرژی و توان وی نیز فراهم می‌شود، اما شوربخانه قضیه از این هم فراتر رفته و شرایط زندگی در محیط حبس موجب گردد که انرژی و توان مثبت افراد جای خود را به ویژگی‌های منفی بدهد. «فرد شخص محبوس در ندامتگاه در محیط حبس زمان بسیار کثیری برای استفاده از فکر و قوه تخیل خود دارد اگر نیروی کار و فکر شخص محبوس در ندامتگاه در جهت مثبت و در راه اصلاح و تربیت به کار گرفته نشود، قطعاً از این نیرو در جهت خلاف و ارتکاب بزه استفاده خواهد کرد (۳۳).

به سبب عدم وجود روابط مادی و معنوی بین فرد زندانی و بیرون از زندان باعث می‌شود روابط و علاقه‌های ایجادشده در درون زندان به تدریج جانشین علاقه‌های قبلی فرد زندانی که مبتنی بر روابط سالم اجتماعی بوده بشود و در نتیجه فرد از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دورتر خواهد شد (۳۴).

۶-۹- لزوم توجه به عدالت ترمیمی: زندان‌ها فاقد ارزش و فایده عملی‌اند. یکی دیگر از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی، جرم‌شناسی طرفدار صلح است که در سال ۱۹۹۴ توسط هال پنپسکی و ریچارد کوئینی ظهور پیدا کرد. طرفداران این نظریه معتقدند که راه انتخاب‌شده برای برخورد با جرم به طور کلی اشتباه است و جرم را نمی‌توان با توسل به خشونت‌های دولتی یا دیگر مجازات سرکوب‌گر متوقف کرد. طرفداران این نظریه خواستار برقراری سیاست اجتماعی به جای کنترل اجتماعی و نیز برقراری عدالت ترمیمی به جای عدالت سرکوب‌گر، مصالحه و سازش به جای زندانی‌کردن شده‌اند (۱).

در حال حاضر سیستم اشتغال زندانی در جمهوری اسلامی ایران به صورت تلفیقی از حق و تکلیف برای زندانیان است و مقنن برای جلب و ایجاد رغبت در زندانی ابتدا آن را حق زندانی می‌داند و پس از مرتفع‌نمودن نقاط ضعف آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در راستای کار اجباری، به شورای طبقه‌بندی زندان اختیار مطلق در به کارگماردن محکومین را با عنایت به استعداد و توانایی‌های آن‌ها، عطا نموده است (۳۲).

از آنجایی که اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در شکل‌گیری فرهنگ صحیح و مشترک، شناسایی الگوهای رفتاری مناسب، جامعه‌پذیری انسان‌ها، رشد علمی جامعه و همچنین اصلاح هنجارهای نادرست مؤثر است، از همین روی، در عرصه جرم‌شناسی، نیز می‌طلبد حق یادشده به اشکال گوناگون به کار گرفته شود، گاه در گستره جرم‌شناسی بازپروری بالینی و گاه در پهنه بزه‌شناسی پیشگیری باشد (۳۳).

۸-۶- دلایل اجتماعی حبس‌زدایی: هر بزه‌ای قطعاً

پیامدهایی را به دنبال دارد و گاه‌ها این پیامدها سبک و گاه‌ها خیلی سنگین و شکننده می‌باشد، مجازات زندان پیامدهای منفی زیادی را به دنبال دارد که مهم‌ترین آن‌ها پیامدهای اجتماعی آن می‌باشد وقتی فلسفه مجازات را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، بیشتر تلاش نظام‌های حقوقی چه در داخل و چه در خارج سعی در کیفر مجرمان دارند که منافع اجتماعی جامعه را تأمین نمایند، در حالی که در حال حاضر زندان شدیدترین ضربات را به اجتماع وارد می‌نماید. در واقع زندان، پیامدهای اجتماعی چندی را نیز در پی دارد. یکی از پیامدهای زندان، متلاشی‌شدن کانون خانوادگی و تزلزل آن است (۲۸).

در واقع مشکلات حبس از دیدگاه اجتماعی در موارد ذیل خلاصه می‌شوند:

ایجاد هزینه برای اجتماع و دولت، درگیرشدن نیروهای اجتماعی به کارهای نامفید، بی‌بهره‌ماندن اجتماع از نیروهای کارآمد (۱۶).

هزینه‌های اقتصادی زندان پس از جرم‌زابودن محیط زندان مهم‌ترین ایراد وارد بر حبس است. گذشته از اینکه ساختن زندان و به کارگماردن مأموران برای مراقبت از زندان و

نتیجه‌گیری

به صورت کلی، طبق مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در اکثر کشورها و حتی در ایران جزای زندان در برآورده‌کردن رسالت‌ها و اهدافش موفق نبوده است، کما اینکه این کیفر با حقوق شهروندی شهروندان در تضاد می‌باشد، یکی از انگیزه‌های تدوین و تنظیم قانون کیفرهای اجتماعی جانشین زندان ناشی از همین امر بوده است، زیرا آمارها نشان داده‌اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم ارتکاب مجدد جرم مستوجب حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان تشکیل می‌دهند (بیش از ۵۲٪). از این رو به دلیل برخی مشکلات و معایب وارده بر جزای زندان و نظام اجرایی آن، استفاده گسترده از این مجازات در اکثر موارد به عنوان یک اصل در مجموعه و قوانین و مقررات جزایی و حتی در رویه محکمه‌ها در ایران غیر ضروری و نامتناسب به نظر می‌رسد و تنها باید از جزای زندان به عنوان یک ضمانت اجرایی استثنایی استفاده شود. سؤالی که ما در این مقاله در پی یافتن آن بودیم، این بود که چه دلایلی در گرایش قانونگذار به سمت حبس‌زدایی دخیل بوده است؟ به نظر می‌رسد این دلایل به دو قسمت عمده، یعنی دلایل نظری و عملی در حبس‌زدایی بتوان تقسیم نمود که دلایل نظری همان نظریه‌های دکترین حقوقی و علمای حقوق باشد که با حبس‌زدایی مخالف بوده‌اند و دلیل عملی نیز تصویب قوانین حبس‌زدا در جهت کاهش حبس‌زدایی باشد و با عنایت به اینکه زندان در رسالت خود موفق نبود به این سمت سوق پیدا کرد.

یافته جدیدی که ما در این مقاله به آن دست یافتیم، این بود که سیاست کیفری ایران به سمت حبس‌زدایی پیش می‌رود و با عنایت به پیامدهای منفی زندان از بعد عملی و نظری، قانونگذار تلاشی مضاعف در جایگزین‌بودن زندان‌ها و حبس‌زدایی نموده است که می‌توان نمونه آن را در قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مشاهده نمود.

در همین راستا مطالعات صورت پذیرفته‌شده در کشورهای مختلف بیانگر این واقعیت می‌باشد که مجازات‌های جانشین حبس در مقایسه با جزای حبس در تحقق اهدافشان موفق‌تر بوده‌اند و حقوق شهروندی را نیز در مورد محکومین را بیش از

پیش می‌توان رعایت نمود. در حقوق کیفری ایران، اگرچه تدابیری تحت عنوان «جانشین مجازات حبس» و حتی اجتناب از آن در نخستین دوره‌های قانونی پیش‌بینی شده بود، لیکن این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و برای نهادینه ساختن آن در نظام کیفری ایران سیاست جنایی مشخصی دیده نمی‌شود. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود و صرفاً شامل برخی مجازات جایگزین حبس، نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می‌شود. در قوانین فعلی ایران برای اجرای این تدابیر، نهادهای مشخص با مأمورین ویژه و دارای اختیارات معین پیش‌بینی نشده است، در حالی که روش‌های دیگر جانشین نظیر خدمات عمومی، جریمه روزانه و... می‌توانست تنوع بیشتری به این سیاست ببخشد و در رعایت اصل تناسب و فردی‌کردن مجازات مساعدت بیشتری نماید، لیکن طی چند سال اخیر، نظام عدالت کیفری ایران با تأثیرپذیری از فقه اسلامی و حقوق تطبیقی و نیز با تأثیرپذیری از اسناد بین‌المللی گام‌های سترکی به سمت حبس‌زدایی و توسل به راه‌حل‌های آن گرایش دارد و گام نهایی در زمینه حبس‌زدایی با تدوین قانون کاهش حبس تعزیری برآشته شد که با ابلاغ آن خیل عظیمی از زندانیان از زندان‌ها خلاصی یافتند.

یافته‌ها حاکی از آن است که به دلیل عدم موفقیت در اهداف زندان و همچنین هزینه‌های زندان، نظام کیفری به سمت حبس‌زدایی گام برداشته است. سؤالی که محقق در ابتدا با آن مواجه بود، این بود که چه دلایلی در گرایش قانونگذار به سمت حبس‌زدایی دخیل بوده است؟ به نظر می‌رسد این دلایل به دو قسمت عمده، یعنی دلایل نظری و عملی در حبس‌زدایی بتوان تقسیم نمود که دلایل نظری همان نظریه‌های دکترین حقوقی و علمای حقوق باشد که با حبس‌زدایی مخالف بوده‌اند و دلیل عملی نیز تصویب قوانین حبس‌زدا در جهت کاهش حبس‌زدایی باشد و با عنایت به اینکه زندان در رسالت خود موفق نبود به این سمت سوق پیدا کرد. بنابراین فرضیه ما در این خصوص به اثبات می‌رسد.

References

1. Goldozian I. Requirements of Public Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2019. p.214.
2. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. 14th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2014. p.208.
3. Asghari Z. Detention and its role in preventing recurrence of crime. *Journal of Crime Prevention Studies* 2014; 10(33): 123-146.
4. Goodarzi M. Prison Inadequacies. *Theology and Law* 2003; 5(9-10): 105-148.
5. Shaltout M. Interpretation of the Holy Quran. Translated by Atai MH. Mashhad: Published; 2003. p.108.
6. Haerizadeh Harimi MR, Javan Jafari MR, Naseri Moghadam AR. A Jurisprudential and Legal Study on the Feasibility Study of Abolishing the Punishment of Imprisonment in Crimes against the Family. *Legal Jurisprudential Researches* 2016; 2(5): 69-89.
7. Al-Najafi MH. Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Salam. Tehran: Dar al-Kitab al-Salamiya; 2011. Vol.41 p.2-13
8. Mousavi Sabzevari SA. The Gifts of the Most Merciful in the Interpretation of the Qur'an. 2nd ed. Beirut: Ahl al-Bayt Foundation; 1988. p.77.
9. Heydari AM. Principles, territory and legal jurisprudential effects of the right to health of prisoners with severely ill diseases. *Journal of Criminal Law Teachings, Razavi University of Islamic Sciences* 2019; 16(17): 95-59.
10. Frank P, Mary Lin D. Theories of Criminology. Translated by Malek Mohammadi HR. Tehran: Mizan Publications; 2012. p.48-57.
11. Jan K. Philosophy of Punishment. Translated by Bateni E, Borhani M. *Journal of Jurisprudence and Law* 2007; 147-170.
12. Pradel J. History of Criminal Thoughts. Translated by Najafi Aberandabadi AH. Tehran: Samat Publications; 2015. p.116.
13. Delmas-Marti M. The Great Systems of Criminal Policy. Translated by Najafi Aberandabadi AH. 3rd ed. Tehran: Mizan Publishing; 2016. p.36-37.
14. Raijian Asli M, Mir Majidi SQ. Manifestations of the doctrine of modern neoclassicism in Iranian criminal policy. *Quarterly Journal of Legal Perspectives* 2011; 3(11): 33-60.
15. Shams Natri MA. The intersection of the criminological ideas of "rehabilitation" and "disability" in the Islamic Penal Code 2012. *Iranian Journal of Criminal Law* 2017; 1(15): 11-34.
16. Moradi Q, Moradi MH. Practical and theoretical factors of inefficiency of imprisonment sentence. *Qanun Yar Quarterly* 2018; 2(5): 173-192.
17. Mahdavi pour A, Darabi Panah SH, Shahrani Korani NA. A Study of Prison Alternatives Based on Prisoners' Perspectives. *Journal of Criminal Law Research* 2018; 6(23): 281-317.
18. Rezvani S, Ramadanzadeh OA, Qasemipour S. Health, Mental Health and Medical Education of Prisoners with Emphasis on the Rights of Imprisoned Addicts. *Quarterly Journal of Medical Law* 2010; 4(15): 107-128.
19. Salahi J. juvenile delinquency. Tehran: Samat Publications; 2010. p.53.
20. Khaleghi A. Criminal Procedure. 41th ed. Tehran: Shahrdanesh Publications; 2019. Vol.2 p.397.
21. Afzalian M. The Rights of Defendants and Sick Convicts in the Iranian Criminal Justice System. *Quarterly Journal of Medical Law* 2011; 5(16): 59-88.
22. Carpentry F, Shahrooz K-SH, Daneshparvar HR, Sheikh Veisi Z. A study of referral cases in terms of tolerance or intolerance of punishment in forensic clients in Tehran in 1991. *Journal of Forensic Medicine* 2015; 21(4): 297-302.
23. Kiani M, Goodarzi F. Forensic Medicine. Tehran: Samat Publications; 2007. p.28.
24. Rostami AS. An Analysis of Factors Affecting Prisoners. Tehran: Researchers Publications; 2010. p.32.
25. Abdi AS. The Impact of Prison on Prisoners, Pathology. Tehran: Nour Publishing; 2008. p.182.
26. Mir Mohammad Sadeghi H. Proceedings of the International Conference on Alternative to Punishment of Imprisonment. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.15, 57.
27. Ashouri M. Alternatives to Prison with Visual Punishments. 5th ed. Tehran: Gereish Publishing; 2013. p.54.
28. Hajari M. Study of imprisonment and reduction of its adverse effects on the family life of prisoners in the Islamic Penal Code adopted in 2012. *Journal of Research in Science and Technology* 2015; 1(8): 1-17.
29. Aghabakhshi H. Addiction and Family Pathology: Social Work Approach. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2008. p.49.

30. Shamloo B, Mousazadeh M. Prevention of recurrence of crime in criminal law of Iran and the United States of America. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies* 2010; 3(5): 6-17.
31. Safarkhani H, Zamiri Kamal H. The role of technical and vocational education in prisons on correction and rehabilitation of criminals. *Journal of Social and Cultural Studies* 2015; 2(9): 1-3.
32. Validi MS. Consequences of Vocational Training and Employment of Prisoners. *Journal of Judicial Law Perspectives* 1997; 5(8): 150-167.
33. Jafari Nodooshan Y. Imprisonment and its Consequences. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2005. p.115.
34. Osmani S. New Substitutes of Prison Punishment. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: University of Central Tehran; 2002. p.31.